

ضمانت اجراهای نقض حقوق بین‌الملل توسط مالکان حقوق مالکیت فکری؛ سیری در منابع تاریخی حقوقی

پژمان میر کریمی

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

دکتر سید باقر میرعباسی (نویسنده مسئول)

استاد، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

دکتر مریم مرادی

استادیار، گروه حقوق، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شایا) ۲۰۰۸-۲۰۱۱ سال ۱۸ شماره ۶۸ - صفحه ۳۲۱-۳۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۵/۲

چکیده

امروزه یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌های بشریت حفظ صلح، امنیت و نظم جهانی به شمار می‌رود و حقوق بین‌الملل همواره با وضع معاهدات و ایجاد سازمان‌هایی سعی بر حفظ نظم و صلح بین‌المللی دارد. حقوق مالکیت فکری که در جهان امروز به جهت کاربرد بیش از حد آن، مرزهای جغرافیایی را شکسته و از حیث بین‌المللی اهمیت بسیار فراوانی یافته است، باعث تحولات عظیم علمی، فرهنگی، هنری، اکتشافی و اختراعی گردیده است. اما با چهره‌ای دوگانه در عرصه بین‌الملل ظاهر شده است. از طرفی رشد، پیشرفت علم و صنعت و هنر را به دنبال دارد و از طرفی دیگر ایزاری است در دست مالکان حقوق مالکیت فکری، برای نقض صلح و امنیت بین‌المللی. مصادیق زیادی در جهان امروز مثل استفاده و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، انحصار حق تولید دارو و عدم دسترسی کشورها ب آن وجود دارد که نشان دهنده نقض صلح و امنیت بین‌المللی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری است. اما حقوق مالکیت فکری و حقوق بین‌الملل چه ساز و کارهایی برای نقض حقوق بین‌الملل و در حقیقت صلح و امنیت بین‌المللی دارد. بررسی اسناد مربوط به حقوق مالکیت فکری و ضمانت اجراهای آن نشان می‌دهد، هیچ تضمینی برای نقض صلح و امنیت بین‌المللی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری که ناقضان صلح و امنیت بین‌المللی هستند وجود ندارد. در حقوق بین‌الملل نیز سازوکارهای پیش‌بینی شده در ابزارهای بین‌المللی هم جز صادر کردن قطعنامه‌ها، بیانیه، دادن گزارش و حداکثر اعلام آن به دولت‌های دیگر ضمانت اجرای کاربردی وجود ندارد و این به معنای هم عدم ضمانت اجرای جدی در نقض صلح و امنیت جهانی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری است.

واژگان کلیدی: ضمانت اجراهای نقض حقوق بین‌الملل، مالکان حقوق مالکیت فکری، صلح و امنیت بین‌المللی، حقوق

بین‌الملل

مقدمه

حقوق بین‌الملل عمومی دارای تکالیف و تعهداتی در برابر صلح و امنیت جهانی و استقرار حقوق بشر در همه ابعاد آن می‌باشد. بی‌تردید رشد علم و دانش بشری را می‌توان به عنوان مهم‌ترین رکن و پشتوانه در نیل به اهداف مهم نظام حقوق بین‌الملل عمومی دانست که این رشد علم و دانش بشری، منجر به تولید آثار و محصولات فکری انسان می‌گردد. از آنجا که اشخاص خالق آثار فکری در زمره تابعان حقوق خصوصی و مالک محصولات فکری خویش می‌باشند، دولت‌ها به عنوان تابعان حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق عمومی و تحت شرایطی اقدام به تملک این محصولات فکری اشخاص و برای نیل به اهداف خود بهره می‌برند؛ که متأسفانه بعضاً در جهت مغایر با رسالت نظام حقوق بین‌الملل عمومی که تأمین صلح و امنیت جهانی و استقرار حقوق بشر در همه ابعاد است و مورد استفاده قرار می‌گیرند.

حقوق مالکیت فکری که به عنوان شاخه‌ای از علم حقوق ناظر است بر بخشی از تابعان حقوق خصوصی و خود متولد شده در ساختار حقوق بین‌الملل عمومی است و در واقع یکی از حلقه‌های اتصال حقوق خصوصی و حقوق بین‌الملل عمومی می‌باشد. مهم‌ترین هدف حقوق بین‌الملل عمومی حفظ نظم، امنیت و صلح جهانی است، لیکن تأمین امنیت غذایی و سلامت دارو و درمان و برخی موارد دیگر به واسطه تولیدات فکری مخترعان و خالقان محصولات فکری محقق می‌شود و همچنین اشاعه برخی جنگ افزارهای کشتار جمعی مانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی، اتمی، هیدروژنی همگی محصول و تولیدات فکری تابعان حقوق مالکیت فکری می‌باشند؛ که متأسفانه دنیای امروز با توسل به محصولات فکری تابعان حقوق مالکیت فکری، صلح و امنیت جهانی را بیش از پیش به مخاطره انداخته‌اند. حقوق مالکیت فکری بر امنیت حقوق مالکانه افراد تأکید داشته و به این وسیله گاهاً به اصول کلی حقوق بین‌الملل عمومی یعنی حفظ صلح و امنیت جهانی تعرض نموده، در این پژوهش به این مهم پرداخته خواهد شد که در صورت نقض حقوق بین‌الملل عمومی مبنی

بر صلح و امنیت جهانی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری، آیا ضمانت اجرایی در خصوص نقض در حقوق بین‌الملل یا حقوق مالکیت فکری وجود دارد؟ آیا ساز و کاری جهت، برخورد با ناقضان صلح و امنیت جهانی توسط ناقضان وجود دارد؟

مهرپور (۱۳۸۸) در مقاله «ساز و کارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آنها در نقض حقوق بشر» در خصوص نقض حقوق بشر و ضمانت اجراهای نقض سخن به میان آورده است. همچنین مهرپور، (۱۳۸۸) در کتاب «حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران» به بخشی از ضمانت اجراهای نقض حقوق بین‌الملل و حقوق بشر اشاره نموده است. احمدیان، (۱۳۸۶) در کتاب حقوق بین‌الملل عمومی و سازمان‌های بین‌المللی به بخشی از ارکان اجرایی در خصوص حراست از صلح و امنیت بین‌المللی اشاره نموده است. هر چند در برخی از پژوهش‌ها پیرامون ضمانت اجراهای نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت‌ها یا تابعان سخن به میان آمده است اما بررسی‌ها نشان در مورد موضوع حاضر پژوهشی انجام نشده و پیوند بین حقوق مالکیت فکری و صلح و امنیت و ضمانت اجرای نقض توسط مالکان حقوق مالکیت فکری حائز جنبه نوآوری است.

تاثیرات منفی حقوق مالکیت‌های فکری بر ایفاء تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی

حقوق مالکیت فکری باعث حمایت از اتر و خالق یا مالک آن می‌گردد، تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی نیز دولت‌ها را مکلف می‌دارد تا نسبت به صلح و امنیت جهانی که خود زیر مجموعه‌های زیادی مثل، حفاظت از محیط زیست، حق سلامت بین‌المللی، منع سلاح‌های بیولوژیک، هسته‌ای و شیمیایی، رعایت حقوق بشر، توسعه ارتباط بین‌الملل و آزادیهای اساسی، عدم جنایت بر ضد صلح، عدم جنایت بر ضد بشریت و نیز جنایات جنگی، جلوگیری از مخاطرات و کاهش خطرات ناشی از آلودگی دریاها و تکالیف خود را انجام داده و موجبات نقض صلح و امنیت بین‌المللی را فراهم نیاورند. حال در میان این دو ارتباطات گستره‌ای وجود دارد که متأسفانه اثرات منفی حقوق مالکیت فکری را بر تعهدات حقوق بین‌الملل بیشتر نشان می‌دهد. برای مثال اگر بیماری در کشورها رایج یا کشنده گردد و حق مالکیت فکری واکسن یا داروی آن تنها آر آن برخی کشورها باشد و آنان از ارائه فرمول واکسن یا خود آن به دیگر کشورها جلوگیری کنند، حق سلامت عمومی و حقوق بشر که از تعهدات بین‌المللی است را به خطر انداخته‌اند. آنچه ماده نزاع در بحث حاضر به شمار

می‌رود، وجود تعارض میان نظام بینالمللی حقوق بشر و بالاخص حق دسترسی به ابداعات دارویی از یکسو و حمایت از حقوق مالکیت فکری مخترعین داروهای اساسی و حیاتبخش جدید از سوی دیگر است. قواعد حقوق بین الملل بشر، تعهداتی سلبی و ایجابی در رابطه با حمایت و تضمین حقوق اولیه انسانی برای دولتها ترسیم می‌کند. درمقابل، قواعد حقوق بینالملل مالکیت فکری نیز دولتها را متعهد می‌کند تا به حقوق انحصاری صاحبان محصولات فکری و صنعتی بدیع احترام گذارده و از نقض این حقوق انحصاری توسط طرفین ثالث جلوگیری کنند. حق بر سلامت بهطور اعم و حق دسترسی به داروهای اساسی بهطور اخص، دولتها را موظف می‌سازند که دسترسی و امکان تهیه داروها را برای همه تضمین کنند و از وجود محدودیتها یا موانع در دسترسی به داروهای اساسی پیشگیری کنند. ا توجه به اینکه امتیاز انحصاری تولید و عرضه محصول ابداعی، متعلق به شرکت ثبت کننده است، وضع قیمتهای بالا توسط شرکت می‌تواند دسترسی به این داروها را با مشکل مواجه سازد. این مشکل، بخصوص در کشورهای درحالتوسعه و کشورهای با حداقل سطح توسعه به دلیل پایینبودن قدرت خرید مردم و ضعف اقتصادی مفرط و نیز فقدان پوشش بیمه‌های های کافی، نمود بیشتری پیدا می‌کند. علیرغم این مشکل عملی، نمی‌توان از اهمیت ثبت اختراعات دارویی و حمایت از حقوق مالکیت فکری شرکتهای داروساز غافل شد. در واقع حمایت از حقوق مالکیت فکری شرکتهای در قالب ثبت ابداعات دارویی و اعطای حقوق انحصاری به آنان می‌تواند زمینه ساز رشد و پیشرفت علمی در زمینه ابداع و بهبود داروهای جدیدتر برای بیماریهای ناشناخته شود. به عبارت دیگر، حمایت‌های مزبور، مانند مشوقی قوی برای شرکتهای عمل می‌کند. نتیجه این حمایتها، توسعه فناوریهای جدید دارویی است که منافع آن در بلندمدت عاید جامعه خواهد شد، ولی در کوتاه مدت ممکن است با موازین و استانداردهای حقوق بشری، از جمله حق بر سلامت، در تعارض باشد. این تعارض، نقطه چالش برانگیز میان نظام حقوق مالکیت فکری و حقوق بشر بر سلامت است. هر دو طرف دارای منافع هستند که ضرورت حمایت از آن را توجیه می‌کند، اما آنگاه که این تعارض باعث می‌شود که اجرای همزمان تعهدات دولتها در چارچوب نظام بین

المللی حقوق بشر با تعهدات ناشی از اسناد بین‌المللی حقوق مالکیت فکری - همانند موافقتنامه تریپس - غیرممکن شود، این اثر سو و نقضی است که حقوق مالکیت فکری بر تعهدات حقوق بین‌الملل دارد.

مثال دیگری که می‌توان عنوان نمود استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی است، همانطور که در مبحث تعهدات بین‌المللی ذیل منشور و کنوانسیون عنوان گردید استفاده، تولید، عرضه سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک که کشتار جمعی به شمار می‌آیند، به جهت حفظ نظم و صلح و امنیت جهانی تولید، گسترش، عرضه و استفاده از چنین سلاح‌هایی ناشی از یک حق مالکیت فکری است، حق خالق یا مالک آن بر اثر است. حال استفاده یا گسترش، اختراع یا تولید چنین سلاح‌هایی یا در برخی موارد تولید آنها حتی در عرصه بین‌المللی ممنون شده است، اما حقوق مالکیت فکری که از مخترعان و مبدعان و آثار مالکان فکری حمایت می‌کند، ظاهراً علی‌رغم تعهدات بین‌المللی مبنی بر صلح و امنیت، راه را برای استفاده مالکان جهت نقض صلح و امنیت هموارتر می‌سازد. (کریمی، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۰۰) متأسفانه مثال‌های بسیار زیادی وجود دارد که حقوق مالکیت فکری و گاهی خلأ در این حقوق، تأثیرات سو و منفی در روند ایفا تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی دارد و گاهی نیز همچنان که در موازین فعل زبانبار و تقصیر عنوان شد، استفاده ناصحیح از حقوق مالکیت فکری و عدم وجود قوانین تضمینی برای این استفاده ناصحیح، موجبات نقض تعهدات حقوق بین‌الملل را فراهم و آثار سو خود را منعکس می‌کند.

مصادیق نقض حقوق بین‌الملل عمومی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری

مالکان حقوق مالکیت فکری اشخاص حقیقی و حقوقی هستند که یا خود خالق اثری‌اند و یا به نحوی حقوق مربوط به اثر به آنها منتقل شده است. حال این مالکان ممکن است در راستای حقوقی که در نتیجه مالکیت فکری دارند، به نحوی موجبات نقض حقوق بین‌الملل عمومی را فراهم آورند. مصادقات‌های بسیاری از نقض حقوق بین‌الملل عمومی توسط مالکان وجود دارد که در ادامه به چند مورد از آن می‌پردازیم.

۱. استفاده از سلاح‌های شیمیایی ممنوع توسط عراق در جنگ علیه ایران از ۲۷ مهرماه ۱۳۵۹ در جبهه خوزستان آغاز شد، در ۱۹ و ۲۰ دی‌ماه در مناطق نئ‌خزر و دشت هلاله میمک و

کنجانچم مهران، سوم شهریورماه ۱۳۶۷ حوالی پادگان حمید و هویزه و ۴ شهریورماه ۱۳۶۷ در حوالی شهر زاخوی کردستان و حتی تا اواخر جنگ ادامه داشت. حمله شیمیایی به حلبچه که به کشتار حلبچه یا جمعه خونین نیز شناخته می‌شود، یک نسل‌کشی مردم کرد بود که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ به وسیله بمباران شیمیایی توسط نیروهای دولتی عراقی در شهر حلبچه کردستان عراق در طی روزهای پایانی جنگ ایران و عراق روی داد. که یکی از مصادیق اسف‌بار نقض حقوق بین‌الملل عمومی توسط عراق بود. (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۳) استفاده وسیع ارتش صدام از سلاح‌های جنگی به خصوص سلاح‌های شیمیایی و میکروبی اثرات تخریبی زیست محیطی بر منابع آب و خاک برخی از مناطق کشور ایران برجای گذاشته است. اثرات محیط زیستی این سلاح‌ها آن‌چنان عمیق و مخرب است که پس از ۴۰ سال آثار سوء آن‌ها برجا است. عراق نه تنها با استفاده از سلاح‌های کشتاری جمعی و سمی و میکروبی موجبات نقض حقوق بین‌الملل را فراهم آورد بلکه با حمله به غیرنظامیان و مناطق مسکونی و غیرجنگی معاهدات بین‌المللی دیگری را نیز نادیده گرفت، عراق پس از حمله به ایران حقوق بین‌المللی را نادیده گرفت و از سلاح‌های ممنوعه در شهرهای غیرنظامی ایران به کرات استفاده کرد که موجب مرگ و میر و صدمات جبران‌ناپذیر بر مردم شد. استفاده از این سلاح‌ها یا تولید آنها، فروش و عرضه آن توسط دیگر کشورها به ناقضان آن مصداق بارزی از نقض حقوق بین‌الملل توسط مالک این آثار فکری است که در نهایت موجب نقض حقوق بشر و صلح و امنیت جهانی گردیده است.

۲. آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه که نقض فاحش حقوق بین‌الملل و موجب صدمات زیست محیطی فراوان بود که منجر به طرح دعوایی از طرف استرالیا و نیوزلند در سال ۱۹۷۳ علیه فرانسه شد. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۰۴-۲۰۳)

۳. مصداق دیگری که برای نقض حقوق بین‌الملل توسط مالکان حقوق مالکیت فکری می‌توان مثال زد، اقدام آمریکا طی جنگ جهانی دوم در مورد به کارگیری سلاح‌های هسته‌ای در

مورد شهروندان هیروشیما و ناکازاکی در سال ۱۹۴۴ بود که منجر به ضرر و زیانی بسیار زیادی به

شهروندان و همچنین محیط زیست گردید. (پورهاشمی و ارغند، ۱۳۹۲: ۲۲۰)

۴. همچنین آمریکا در جنگ ویتنام به منظور تخریب پوشش جنگلها و جلوگیری از استتار

و پناه گرفتن مبارزان ویتنامی، به طور گسترده‌ای از علف‌کش‌ها استفاده کرد. (رنجبریان، ۱۳۷۷: ۲۰)

۵. تعمیم حق دسترسی همگانی به داروهای اساسی، واکسن و ابزارهای پزشکی، حقی بنیادین

در نظام حقوق بشر به شمار می‌آید، چرا که برخورداری از این حق به عنوان پیش شرطی برای بهره

مندی از سلامت کامل جسمی و روانی، ضرورتی انکارناپذیر است. بااین حال، در غالب موارد،

انحصار تولید و عرضه داروهای اساسی در اختیار بخش خصوصی است و مداخله دولت در زمینه

تولید و عرضه داروها بدون رضایت قبلی شرکتهای صاحب امتیاز، خود به منزله زیرپانهادن حق

مالکیت دارندگان امتیازنامه های دارویی است. امروزه شاهد این هستیم که بسیاری از کشورها یا

بخش‌های خصوصی آنان که مالکان حقوق فکری برخی از داروها هستند، از ارائه آن به دیگر

کشورها خودداری می‌کنند. این خودداری ممکن است به طرق مختلفی باشد، یکی تحریم برخی

کشورها برای دسترسی به داروها و دیگری وضع قیمتهای بالا توسط مالکان حقوق مالکیت فکری،

که وضع قیمت بالا اینگونه داروها می‌تواند دسترسی به این داروها را با مشکل مواجه سازد. این

مشکل، به خصوص در کشورهای درحال توسعه و کشورهای با حداقل سطح توسعه به دلیل پایین

بودن قدرت خرید مردم و ضعف اقتصادی مفرط و نیز فقدان پوشش بیمه‌های کافی، نمود بیشتری

پیدا می‌کند.

این موارد تنها مصادیق اندکی از نقض حقوق بین‌الملل عمومی توسط مالکان این حقوق است.

همانطور که مشاهده می‌شود، در این مصادیق حقوق اساسی بشر همچون؛ حق سلامت، حق

بهرمندی از دارو و واکسن و تجهیزات پزشکی، حق سلامت روانی، حق محیط زیست و غیره توسط

مالکان حقوق مالکیت فکری نقض گردیده و در نهایت هدف اصلی حقوق بشر و حقوق بین‌الملل

عمومی که همانا، ایجاد و استقرار صلح و امنیت جهانی است در نتیجه عمل این ناقضان، به مخاطره

افتاده است.

ضمانت اجراهای حقوق بین‌الملل عمومی برای ناقضان تعهدات بین‌المللی

ضمانت در لغت به زمین‌گیری و اجراء به راندن معنا شده است. (دهخدا، ۱۳۸۵: ۱۰۳۶) و در اصطلاح حقوقی ضمانت اجرا حمایت مراجع رسمی در اعمال قانون و عرف می‌باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۲۰) طوری که برای اطمینان از اجرای هر قاعده حقوقی تدابیری نیاز است که بر اساس آنها عکس العمل متناسبی در مورد تخلف از اجرای قواعد مزبور از سوی جامعه در نظر گرفته می‌شود که همین امر پشتوانه اجرای مقررات حقوقی می‌باشد. (باقرزاده، ۱۳۸۲: ۲۲-۲۱) در دایره‌المعارف امریکانا، تحت صورت **International Sanction** آمده است: این کلمه بر مجازات‌هایی بار می‌شود که توسط یا از سوی و یا به درخواست یک سازمان بین‌المللی به نمایندگی از جامعه بین‌المللی در برابر یک دولت یا گروهی که تعهدی بین‌المللی را که خود به آن متعهد بوده است، مخصوصاً اگر آن تعهد در مورد خودداری از تجاوزهای نظامی باشد، اعمال می‌گردد. از موضوعات مهمی که در دنیای امروز که مایه نگرانی جامعه بشری در قرن بیست و یکم است، نقض فراگیر حقوق بشر در سرتاسر جهان، توسط دولت‌های مختلف نسبت به اتباع خود و یا دیگر ملیت‌ها و اقوام است. تمهیدات مختلف بین‌المللی مشخصاً پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل برای جلوگیری از نقض حقوق بشر یا کم کردن دامنه آن اتخاذ شده است. این تمهیدات و ساز و کارها به اختصار عبارتند: از تدوین و تصویب اسناد متعدد بین‌المللی، تبیین موازین و مفاهیم حقوق بشر، سوق دادن دولت‌ها به سمت تصویب آن اسناد، ایجاد التزام و تعهد قراردادی برای اجرای آنها و نیز تأسیس نهادهای گوناگون نظارتی و اجرایی که جدیدترین آنها شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی است. (مهرپرور، ۱۳۸۸: ۱۴-۷)

با توجه به اینکه تلاش سازمان ملل بر حفظ صلح و امنیت جهانی و احترام به حقوق بشر است، به وسیله روش‌های مختلف سعی دارد این هدف را تضمین کند. در مورد ضمانت اجرای این حقوق می‌توان اقدامات اجرایی و نظارتی سازمان ملل را در سه قسمت به طور خلاصه مورد بررسی قرار داد.

۱ (نهادهای نظارتی ناشی از معاهدات؛ ۲) نهادهای مبتنی بر منشور؛ ۳) دادگاه‌های خاص رسیدگی به جرائم مربوط به نقض حقوق بشر؛

۱) نهادهای نظارتی ناشی از معاهدات

معاهدات بین‌المللی حقوق بشر، علاوه بر اینکه طی مواد متعددی انواع حقوق لازم‌الرعایه برای آحاد ملت را شرح داده و تدوین کرده یک نهاد نظارتی نیز پیش‌بینی کردند که پیگیر و ناظر اجرای آن مقررات از سوی دولت‌های عضو معاهد باشند. دولت‌های طرف قرارداد برای اطمینان از اجرای مفاد قرارداد از سوی اعضا از بین خودشان نمایندگانی را برگزیده‌اند تا بر روند اجرای تعهدات شرکای قراردادی خود نظارت داشته باشند و گزارش عملکرد هر یک از طرف‌های قرارداد را به شکل دوره‌ای به دیگران بدهند و لذا این نهادهای نظارتی پس از رسیدگی جمع‌بندی و گزارش خود را به اطلاع کشورهای طرف معاهده می‌رسانند. نهادهای عمده نظارتی ناشی از حقوق حقوق بشری عبارتند از: کمیته حقوق بشر، کمیته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مربوط به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. رفع تبعیض نژادی کمیته ضد شکنجه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان حقوق کودک. سیستم همه این نهادهای نظارت این است که دولت‌های عضو باید هر چند مدت یکبار گزارشی از تدابیر و اقداماتی که در زمینه اجرای مقررات معاهده به عمل آورده‌اند. از قانون‌گذاری لازم و اصلاح قوانین موجود و شیوه‌های قضایی و اجرایی و احیاناً مشکلاتی که در ناراحتی راه دارند از دبیر طریق دبیرکل سازمان ملل متحد و خطاب به او تقدیم دارند که این گزارش در کمیته مورد بررسی قرار می‌گیرد. ساز و کار نظارتی نهادهای ناشی از معاهده جز همین شیوه الزام دولت‌های عضو به دادن گزارش مربوط به اجرای تعهدات خود و حضور دوره‌ای آنها در کمیته و ملزم بودن به پاسخگویی به آنها و مالاً مطلع ساختن دولت‌های عضو معاهده مربوط از میزان پایبندی دولت به اجرای تعهدات حقوق بشری خود و از طریق دبیرکل سازمان ملل و شورای اقتصادی-اجتماعی، مطلع شدن سایر دولت‌ها خود تا حدی می‌تواند ضمانت اجرایی به حساب آید، کارایی دیگری ندارد و جز خبردار شدن دولتها و احیاناً ملامت بین‌المللی پیامد دیگری ندارد. البته در برخی از نهادهای نظارتی معاهده‌ای علاوه بر رسیدگی گزارش دولت‌ها مکانیزم شکایت از دولت به دلیل نقض تعهدات حقوق بشری ناشی از معاهده مربوطه پیش‌بینی شده است. برای مثال

در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی پیش‌بینی شده است که دولت می‌تواند از دولت دیگر عضو میثاق به لحاظ نقض برخی از مقررات میثاق و عدم اجرای تعهدات قراردادی خویش به کمیته حقوق بشر شکایت کند. ماده ۴۱ به بعد میثاق البته مشروط بر اینکه قبل از دولت شاکی و دولت مشترکاً صلاحیت کمیته را برای این نوع رسیدگی پذیرفته باشند. البته این رسیدگی سرانجام جز اعلام نظر کمیته و انتشار آن پیامد دیگری در بر نخواهد داشت. (مهرپرور، ۱۳۸۸: ۳۸-۲۹)

نهادهای مبتنی بر منشور

نهادهای مختلفی در ساختار سازمان ملل متحد که ریشه در منشور ملل متحد و در واقع اساسنامه سازمان ملل دارند، به نحوی در مسئله حقوق بشر درگیر بوده و با تصمیم‌گیری، صدور قطعنامه، توصیه، راهنمایی، همکاری و احیاناً تصمیم‌گیری‌های شدیدتر در اجرای موازین حقوق بشر به نوعی نقش دارند، مجمع عمومی و کمیته سوم مجمع با بحث‌های مختلف و صدور قطعنامه‌های متناسب، شورای امنیت، در موارد خاص با صدور تصمیمات الزام‌آور، شورای اقتصادی، اجتماعی (اگسو ک)، کمیسیون مقام زن، کمیساریای عالی حقوق بشر، کمیسیون فرعی پیشبرد و حمایت از حقوق بشر (جایگزین کمیسیون فرعی جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها) و شورای حقوق بشر (خلف کمیسیون حقوق بشر) که هر کدام به نحوی تمهیدات و سازوکارهایی به منظور عملی کردن و اجرایی نمودن تعهدات حقوق بشری دولت‌ها دارند، از جمله این گونه نهادها هستند. در ادامه اشاره کوتاه به دو مورد از این نهادها یعنی کمیساریای عالی حقوق بشر و شورای حقوق بشر، می‌کنیم.

الف) کمیساریای عالی حقوق بشر

واقعیت این است که امیدهایی که از تأسیس این نوع نهاد به عنوان بازوی اجرایی قوی سازمان ملل در جهت عملی ساختن موازین و مقررات اسناد بین‌المللی حقوق بشر از سوی دولت‌ها می‌رفت، چندان برآورده نشد. ظاهراً به منظور حفظ استقلال و حاکمیت داخلی دولت‌ها، وظایف تعدیل شده‌ای به کمیساریا داده شد. در ماده ۳ قطعنامه بر این مطلب تأکید شده است

که کمیساریای عالی حقوق بشر، باید در چهارچوب منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر اسناد بین‌المللی حقوق بشر و درعین حال، احترام به حاکمیت و صلاحیت قوانین داخلی کشورها، انجام وظیفه کند و در ماده ۴ در ۱۱ بند مسئولیت‌های او را با عناوینی چون ارتقا و حمایت مؤثر از برخورداری از همه حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دادن مشورت‌ها و کمک‌های فنی و مالی، هماهنگ کردن برنامه‌های آموزشی، ایفای نقش فعال در حذف موانع موجود بر سر راه تحقق کامل حقوق بشر و جلوگیری از ادامه نقض آن، ذکر کرده است ولی به هر حال، حاصل حاصل‌کارِ کمیساریای عالی به دادن گزارش فعالیت سالانه خود به کمیسیون حقوق بشر (شورای حقوق بشر) و از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل ختم می‌شود. (مهرپرور، ۱۳۸۸: ۳۲)

ب) شورای حقوق بشر

شاید بتوان گفت مهم‌ترین ارگان اجرایی و نظارتی حقوق بشر سازمان ملل، کمیسیون حقوق بشر بود که براساس ماده ۸۶ منشور ملل متحد و طبق قطعنامه شماره ۵ مورخ ۱۹۴۶ شورای اقتصادی و اجتماعی، تأسیس شد و در سالهای اخیر با تشکیل گروه‌های کاری مختلف و ایجاد سیستم گزارشگری شامل گزارشگران موضوعی و گزارشگران کشوری و صدور قطعنامه‌های متعدد، جنبه‌های مختلف موضوعات حقوق بشری و وضعیت آنها در کشوره‌ای مختلف را، مورد بررسی قرار می‌داد (مهرپرور، ۱۳۸۸: ۱۹۰).

شورای حقوق بشر در مواقع اضطراری نیز می‌تواند جلسه فوق‌العاده یا اضطراری تشکیل دهد. شورای حقوق بشر سازمان ملل، وظیفه نظارتی خود را بر عملکرد کلیه کشورها در زمینه حقوق بشر از دو طریق بررسی گزارش‌های دوره‌ای و فعالیت‌های فوری و پیشگیرانه از طریق گفتگو و جلب همکاری به صورت اضطراری انجام می‌دهد (بندهای E و F ماده ۵ قطعنامه). در قسمت نخست، مقرر شده است که هر چهارسال، یکبار با دریافت گزارش از خود کشور و اطلاعات دریافتی از سازمان‌های غیردولتی، نهادهای ملی حقوق بشر، نهادهای معاهده‌ای و دیگر نهادهای مرتبط سازمان ملل مانند نهادهای تخصصی سازمان ملل از قبیل سازمان بین‌المللی کار و یونسکو، به وضعیت حقوق بشر در همه کشورها رسیدگی می‌کند به گونه‌ای که هر سال

وضعیت ۸۴ کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد و سرانجام شورا، گزارش خود را به مجمع عمومی سازمان ملل می‌دهد. در موارد فوری و اضطراری نیز، شورا تشکیل جلسه داده و به موضوع رسیدگی و گزارش خود را به مجمع عمومی می‌دهد.

محاکم مخصوص رسیدگی به جنایات مربوط به نقض حقوق بشر در نظام ملل متحد در زمینه حقوق بشر و اقدامات مربوط به جلوگیری از نقض آن، موارد خاص و محدودی هم وجود دارد که افرادی به دلیل ارتکاب جنایاتی که نقض حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه، که آن هم از خانواد، حقوق بشر به حساب می‌آید، مجرم محسوب می‌شود، تحت تعقیب کیفری قرار گرفته و محاکمه و احیاناً به مجازات، محکوم می‌شوند که بدین ترتیب، نوعی ضمانت اجرایی ملموس و مؤثر برای جلوگیری از نقض حقوق بشر به حساب می‌آید. البته توسل به این شیوه در صورتی امکان پذیر است که نقض حقوق بشر، بسیار وسیع و گسترده باشد.

الف) دادگاه‌های خاص یوگسلاوی سابق و روآندا

فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گرفته که به شورای امنیت صلاحیت اتخاذ اقدامات و تدابیر اجرایی لازم را می‌دهد، طی قطعنامه شماره ۸۷۲ مورخ ۲۵ مه ۱۹۹۳ با توجه به گزارش‌های مختلف مربوط به ادامه نقض گسترده قوانین حقوق بشردوستانه از جمله کشتارهای انبوه و دسته جمعی مردم به صورت سازمان یافته و روشمند در بوسنی و هرزگوین و تجاوز به عنف به زنان و ادامه پاکسازی قومی و با عنایت به این که تداوم این وضعیت، صلح و امنیت جهانی را به خطر می‌اندازد، برای پایان دادن به این جنایات و اتخاذ اقدامات مناسب برای سپردن افراد مسئول در اینگونه جرائم به دست عدالت، تأسیس یک دادگاه بین المللی را اعلام می‌کند تا افراد مسئول در زمینه ارتکاب این جرائم جدی و ناقضان مقررات حقوق بشردوستانه بین المللی را تحت پیگرد و محاکمه قرار دهد. چنان که می‌دانیم این دادگاه بین المللی تشکیل شد و تعدادی از جنایتکاران یوگسلاوی سابق دستگیر و محاکمه شدند. همچنین شورای امنیت طی قطعنامه شماره ۹۵۵ مورخ ۸ نوامبر

۱۹۹۴ تشکیل یک دادگاه خاص بین‌المللی را برای جرائم ارتكابی ضد انسانی در روآندا اعلام کرد.

در قطعنامه مزبور، آمده است با توجه به گزارش‌های واصله مبنی بر کشتار دسته جمعی و دیگر موارد نقض سیستماتیک و گسترده مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی و با توجه به اینکه ادامه این وضعیت، صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، به منظور پایان دادن به این جنایات و اتخاذ اقدامات لازم برای تحت تعقیب و محاکمه قرار دادن افرادی که مسئول موارد نقض جدی مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی هستند، شورای امنیت تصمیم گرفت، یک دادگاه بین‌المللی خاص برای تعقیب و محاکمه متهمان کشتار جمعی (ژنوساید) و جرائم جدی دیگر مغایر با حقوق بشردوستانه که در مورد شهروندان روآندایی یا سرزمینهای مجاور آن مرتکب شده‌اند، تشکیل دهد. یک اساسنامه ۲۳ ماده‌ای نیز برای این دادگاه بین‌المللی خاص، تصویب کرد که محدوده صلاحیت دادگاه و نحوه عمل آن را بیان می‌کرد. در مواد ۲ و ۳ اساسنامه، صلاحیت دادگاه را رسیدگی به جرایمی چون کشتار جمعی و جرائم علیه بشریت عنوان و هر یک از آنها را تعریف کرد. در ماده ۳ جریم علیه بشریت، جرایمی دانسته شده که به صورت گسترده و سیستماتیک علیه شهروندان روآندایی بر مبنای ملیت، مذهب، نژاد، قومیت و گرایش‌های سیاسی، ارتکاب یافته و آن جرائم عبارتند از: قتل، بردگی گرفتن، اخراج، زندانی کردن، شکنجه، تجاوز به عنف و دیگر اعمال غیرانسانی. برای دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق نیز اساسنامه خاصی که محدوده صلاحیت دادگاه و روش کار و انتخاب اعضای آن را بیان می‌کند، تصویب شد. در اینجا هدف تشریح وضعیت این دو دادگاه و عملکرد آنها نیست، بلکه منظور فقط اشاره به اقدام اجرایی سازمان ملل در زمینه نقض حقوق بشر به صورت وسیع و گسترده است که به ندرت اتفاق افتاده و آن هم البته تحت نقض مقررات حقوق بشردوستانه و در واقع مقررات کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در مورد حقوق بشردوستانه است که به نظر می‌رسد قابل تسری به نقض وسیع و گسترده حقوق بشر نیز هست ولی تاکنون دادگاه بین‌المللی خاصی با این عنوان، تشکیل نشده است. (مهرپرور، ۱۳۸۸: ۳۹-۳۰)

(ب) دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از نهادهای قضایی بسیار مهم بین المللی که تشکیل شد، دیوان کیفری بین المللی است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۳: ۵۳). طبق ماده ۱ اساسنامه: «دیوان، نهادی دائمی خواهد بود». «یعنی برخلاف دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق و رواندا که موقت و برای موردی خاص بودند، این دیوان، دائمی و دارای قدرت اعمال صلاحیت بر اشخاص برای ارتکاب خطیرترین جرائم مورد اهتمام بین الملل، به شرحی که در اساسنامه ذکر شده است، می باشد. دیوان، دارای صلاحیت تکمیلی است؛ یعنی در درجه اول رسیدگی به جرائم، موضوع صلاحیت دیوان با محاکم داخلی کشوری است که جرم در آن اتفاق افتاده است، در صورت ناتوانی یا خودداری از رسیدگی، دیوان، صلاحیت رسیدگی پیدا خواهد کرد. جرائم داخل در قلمرو صلاحیت دیوان را چهار جرم مهم: جنایت نسل کشی، جنایت ضد بشریت، جنایت جنگی و جنایت تجاوز، اعلام کرده است که هر یک از این جرائم به ویژه جنایت ضد بشریت و جنایت جنگی با نقض حقوق بشر، ارتباط دارند و می توان گفت، اقدام این محکمه کیفری بین المللی، می تواند نوعی ضمانت اجرایی مناسب برای جلوگیری از نقض حقوق بشر، به حساب آید. البته همانطور که گفته شد، دیوان کیفری بین المللی زمانی مداخله می کند که جنایات سنگین و سیستماتیک ضد بشری رخ داده باشد. (آل حیب، ۱۳۷۸: ۳۵۵)

چنان که از ساز و کارهای سازمان های اجرایی سازمان ملل مربوط به نقض تعهدات بین المللی ملاحظه می گردد، پس از زمان زیاد از تأسیس سازمان ملل و تصویب اعلامیه های جهانی و وضع حقوقی مربوط به صلح و امنیت جهانی، اقدامات زیادی برای تنظیم و تصویب موازین حقوق بشری و ترویج صلح و امنیت و تشکیل نهادهای نظارتی مختلف صورت گرفته است. ولی متأسفانه نقض حقوق بشر و به خطر انداختن صلح و امنیت جهانی در گوشه و کنار دنیا توسط دولت ها یا رژیم ها و گروهک های مختلف، نشان می دهد، ضمانت اجراهای موجود برای ناقضان تعهدات بین المللی به قدری قوی نبوده که بتواند از جنایات علیه بشریت، نقض حقوق بشر، و تهدید صلح و امنیت جهانی جلوگیری کند. ساز و کارها و ضمانت اجراهای پیش بینی شده در حقوق بین الملل برای الزامی

نمودن تعهدات بین‌المللی جز صادر کردن قطعنامه، بیانیه دادن، گزارش و حداکثر اعلام آن که آن هم یا واقعاً جنبه سیاسی دارد و طرف آن نیست و یا از سوی دولت‌های متهم به نقض حقوق بشر سیاسی و دخالت در امور داخلی آنها تلقی می‌شود تضمینی را برای تأمین نظم، صلح و امنیت جهانی به بار نیاورده است. رسیدگی دیوان کیفری بین‌المللی هم که نوعی ضمانت اجرای معتبر دارد منحصر به موارد عمده نقض حقوق بشر و اقدامات گسترده و سیستماتیک است و در زمینه موارد متعارف نقض حقوق افراد که بسیار زیاد و شایع است، ضمانت اجرایی وجود ندارد و برخی از نهادهای بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه نیز که به نوعی جنبه الزامی و ضمانت اجرایی دارند، مانند اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، بیشتر جنبه قراردادی داشته و دولت‌ها باید با میل و اراده خود آن را تصویب کنند و خود ملتزم آن شود. در عین حال رسیدگی آنها مربوط به موارد خاص و بسیار مهم و با تشریفات زیادی است که در عین مفید بودن تأثیر چندانی در بازدارندگی نقض مکرر حقوق بشر توسط دولت‌ها ندارد.

ضمانت اجراهای حقوق مالکیت فکری برای ناقضان تعهدات بین‌المللی در عرصه بین‌المللی حقوق مالکیت فکری محترم شناخته شده و برای آن حقوقی قائل شده است، ضمانت اجراهایی برای نقض حقوق ناشی از مالکیت فکری در نظر گرفته شده که در ادامه اختصاراً به آن پرداخته می‌گردد.

ضمانت اجرای کیفری در موافقتنامه تریپس

بحث از ضمانت اجرای کیفری در حقیقت بحث از جدی‌ترین و موثرترین ضمانت اجراهاست چرا که قدرت بازدارندگی فراوان دارد (R) (Matulionyte, 2011: 38-145). می‌توان یک عامل اساسی در مبارزه با نقض سازمان یافته حقوق مالکیت فکری تلقی گردد و مرجعی که صلاحیت کیفری دارد این نوع ضمانت اجرا را به عهده دارد و در خصوص صلاحیت نیز گفته شده «صلاحیت از یک طرف یک تکلیف است یعنی اگر یک مرجع، صلاحیت رسیدگی به دعوا را دارد باید رسیدگی کند و اگر از این امر امتناع کند متخلف محسوب می‌شود. از سوی دیگر، صلاحیت یک حق است به عبارت دیگر محکمه‌ای می‌تواند به یک دعوا رسیدگی کند که صلاحیت رسیدگی داشته باشد و اگر دادگاهی صلاحیت رسیدگی نداشته باشد باید قرار عدم صلاحیت صادر کند و پرونده را به

مراجع صالح ارسال نماید». (ابهری، ۱۳۹۲: ۱۴۳) «موافقتنامه تریپس» مشخصاً به این طریق جبران پرداخته و موردی را که حداقل در خصوص آن‌ها باید این گونه مجازات‌ها اعمال شود، در ماده ۶۱ مشخص کرده است. اعضا از جمله باید در مورد سرقت کپی رایت در مقیاس تجاری، آیین دادرسی و مجازات‌های کیفری را مقرر دارند. وسایل جبران خسارت در این موارد شامل حبس یا جزای نقدی کافی یا هر دو به عنوان یک عامل بازدارنده به گونه‌ای منطبق با سطح مجازات‌های معمول در مورد جرائم دارای شدت مشابه خواهد بود. در موارد مقتضی هم اجازه ضبط و انهدام کالاهای ناقض حق و مواد و آلات مورد استفاده در ارتکاب جرم اعطا شده است (طارم سری، ۱۳۷۵: ۱۸-۱۷) لیکن موافقتنامه از ضمانت نامه اجرای کیفری به عنوان یک ضمانت اجرای مؤثر استفاده کرده است.

ضمانت اجرا در کنوانسیون برن

کنوانسیون برن و موافقتنامه‌های جنبه‌های تجاری مرتبط با حقوق مالکیت فکری پس از حیث ضمانت اجرای مدنی قابل بررسی است کنوانسیون برن بند ۲ ماده ۵ کنوانسیون برن ضمن اینکه اعلام می‌دارد حمایت از حقوق شناخته شده برای پدیدآورندگان موکول به انجام هیچ کن تشریفات نیست میزان حمایت از این مبارزه‌های جبران خسارت پدیدآورندگان منحصرأ به قوانین کشورهای که باید از آنها تقاضا می‌شود واگذار شده است. (زرکلام، ۱۳۸۷: ۴۱۴) معاهدات واپس نیز راجع به حق مؤلف و حقوق مجاور سال ۱۹۹۶ اسناد بین المللی که اتخاذ ضمانت اجرای کیفری از سوی اعضای خود را در قبال نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری توصیه کردند. در برخی از کشورها نیز که به دو دسته فدرالی و غیر فدرالی تقسیم می‌شوند، ضمانت اجراهایی در خصوص نقض حقوق مالکیت فکری وجود دارد که مطابق مقررات و رویه آن ضمانت اجرای کیفری و مدنی جهت نقض حقوق مالکیت فکری وضع می‌گردد. کنوانسیون‌ها و موافقتنامه هایی نیز وجود دارد که ضمانت اجراهایی خاص برای نقض حقوق مالکیت فکری را در بر دارند. اما با بررسی این موضوع منتج می‌گردد که آنچه که در قالب ضمانت اجرای نقض حقوق مالکیت فکری در این اسناد موجود است

مربوط به نقض حقوق مالکیت فکری است که مربوط به کپی رایت، سرقت ادبی، نقض حق اختراع، تجاوز به حق اختراع، استفاده بدون مجوز از آثار دیگری و موارد این چنینی است و در هیچ یک از اسناد مربوط به حقوق مالکیت فکری، در مورد نقض تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی از قبیل حق سلامت، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی، حفظ محیط زیست، حقوق بشر که در نهایت منجر به نقض صلح و امنیت جهانی توسط مالکان آثار فکری است وجود ندارد.

نتیجه گیری

بررسی اسناد مربوط به حقوق مالکیت فکری و ضمانت اجراهای آن نشان می‌دهد، هیچ تضمینی برای نقض صلح و امنیت بین‌المللی توسط مالکان حقوق مالکیت فکری که ناقضان صلح و امنیت بین‌المللی هستند وجود ندارد. در حقوق بین‌الملل نیز سازوکارهای پیش‌بینی شده در ابزارهای بین‌المللی هم جز صادر کردن قطعنامه‌ها، بیانیه، دادن گزارش و حداکثر اعلام آن که آن هم یا واقعاً جنبه سیاسی دارد و بی طرفانه نیست و یا از سوی دولت‌های متهم به نقض حقوق بشر سیاسی و دخالت در امور داخلی آنها تلقی می‌شود و این به معنای هم عدم ضمانت اجرای جدی در این خصوص است.

دیوان کیفری بین‌المللی هم کنار ضمانت اجرایی که دارد منحصر به موارد عمده نقض حقوق بشر و اقدامات گسترده و شدید است. در زمینه موارد جزئی و مکرر نقض حقوق افراد که بسیار زیاد و شایع است ضمانت اجرایی مناسبی وجود ندارد. در این میان همین عدم ضمانت اجرای جدی در حقوق مالکیت فکری و نظام حقوق بین‌الملل علت عمده بی‌توجهی مالکان حقوق مالکیت فکری به تعهدات حقوق بین‌الملل و نقض صلح و امنیت جهانی توسط آنان است. که بعضاً نیز منافع مادی و اقتصادی خود را به استقرار صلح و امنیت جهانی ترجیح می‌دهند. مهم‌ترین اسناد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشردوستانه که به نوعی جنبه ضمانت اجرایی و جنبه الزامی دارند؛ مانند اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی رم، در عین حال جنبه قراردادی دارد و دولت‌ها باید با میل و اراده خویش آن را تصویب کنند و خود را ملزم به آن نمایند و در عین حال رسیدگی آنها مربوط

به موارد خاص و بسیار مهم با تشریفات سرسام آور است که در عین مفید بودن، تاثیری در بازدارندگی نقض مکرر روزمره و جاری تعهدات حقوق بین الملل توسط مالکان فکری ندارد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ابراهیمی شیخ‌شبان، ابعاد حقوقی دفاع مقدس، سدره المنتهی، ۱۳۹۶.
۲. ابهری، حمید (۱۳۹۲)، قانون ثبت، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران.
۳. احمدیان، فاطمه (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل عمومی و سازمان‌های بین المللی، ناشر پوران پژوهش، تهران.
۴. آل حبیب، اسحاق (۱۳۷۸)، دیوان کیفری بین المللی و جمهوری اسلامی ایران، نشر مطالعات سیاسی بین المللی، تهران.
۵. پورهاشمی و ارغند، سیدعباس و بهاره، حقوق بین الملل محیط زیست، دادگستر، ۱۳۹۲.
۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، چاپ اول، جلد سوم، ص ۲۴۲۰.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، لغت نامه، جلد اول و چهارم، دانشگاه تهران، تهران.
۸. رنجبریان، امیرحسین، حقوق بین الملل سلاح‌های کشتار جمعی، دادگستر، ۱۳۷۷.
۹. زرکلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، سمت، ۱۳۸۷.
۱۰. مجموعه قوانین ۱۳۲۴، ترجمه منشور ملل متحد مصوب مجلس شورای ملی، تهران، روزنامه رسمی.
۱۱. مجموعه قوانین، ۱۳۷۲، تهران روزنامه رسمی.

۱۲. مستقیمی، بهرام، طارم سری، مسعود (۱۳۷۵)، مسئولیت بین‌المللی دولت، زیر نظر دکتر جمشید ممتاز، دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۱۴. مهرپور، حسین (۱۳۸۸)، ساز و کارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آنها در نقض حقوق بشر، فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸، ۴۲-۷.
۱۵. میرحسینی، سید حسن (۱۳۹۷)، حقوق مالکیت فکری، میزان، تهران.

ب) منابع لاتین

ج) اسناد بین‌المللی

۱۷. منشور ملل متحد ۱۹۴۵
۱۸. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی ۱۹۶۶
۱۹. اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری
۲۰. کنوانسیون ژنو ۱۹۷۱
۲۱. معاهده برن ۱۸۸۶
۲۲. موافقتنامه تریپس ۱۹۹۴
۲۳. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶